

تحلیل مضمونی توسعه سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

احمد رضا شاه علی^۱

مهدی اسدی^۲

حمزه سلیم بیگی^۳

دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۵

پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۹

چکیده

ماهیت قانون اساسی یک کشور و امکانات قانونی ناشی از آن از یک طرف و عملکرد سیاستگذاران، مجریان و ناظران قانون از طرف دیگر، می‌تواند نقشی سرنوشت‌ساز در توسعه کشور داشته باشد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که ملهم از آموزه‌های دین اسلام است، ضمن تأکید بر رعایت تعادل میان نیازهای مادی و معنوی و رعایت موازین و ضوابط اسلامی در همه امور کشور، بر پیشرفت همه جانبه کشور تأکید شده است. اینکه چه ظرفیت‌های قانونی برای توسعه سیاسی وجود دارد؟ سؤال است که ما را به راهکارهای دقیق و قابل تحقق برای نیل به توسعه سیاسی می‌رساند.

بر همین اساس مسئله اصلی این پژوهش شناسایی صورت‌بندی توسعه سیاسی در قانون اساسی ج.ا.ایران است که به ظرفیت‌ها و امکانات قانونی توسعه سیاسی پرداخته است. امکانات و ظرفیت‌هایی که مسئله اصلی، به فعلیت رساندن آنهاست. برای این منظور با استفاده از روش تحلیل مضمون شبکه‌ای، مضامین مرتبط با توسعه سیاسی در قانون اساسی شناسایی و تحلیل شده است. قانون اساسی ج.ا.ایران، با تأکید بر مفاهیمی مانند حاکمیت مردم در طول حاکمیت خداوند، نظارت‌پذیری همه ارکان حاکمیت، مشارکت سیاسی مؤثر،

۱ استادیار گروه معارف، دانشگاه علم و صنعت ایران. (نویسنده مسئول) shahali@just.ac.ir

۲ استادیار گروه مطالعات اجتماعی، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، تهران، ایران. mahdiasadi51@yahoo.com

۳ دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد الکترونیکی.

hamzehsalimi1968@gmail.com

تأمین آزادی‌های سیاسی - اجتماعی و ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی، زیربنای قانونی را برای ایجاد توسعه سیاسی فراهم کرده که باید از سوی حاکمیت و مردم مورد پذیرش و عمل قرار گیرد.

واژگان کلیدی: توسعه سیاسی، قانون اساسی ج.ا.ایران، حاکمیت، نظارت، مشارکت سیاسی، آزادی.



قانون اساسی ج.ا.ایران تبیین کننده نهادها و مناسبات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است. در این قانون برای برنامه‌ریزی و تنظیم بهینه تمام حوزه‌های زندگی اجتماعی اعم از سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اصول و مبانی قانونی در نظر گرفته شده است که در تعامل این اصول با یکدیگر، شرایط مطلوب برای رسیدن به جامعه مورد نظر شکل می‌گیرد. هدف نهایی این نظام سیاسی و اجتماعی زمینه‌سازی رشد، تعالی و پیشرفت انسان و ساخته شدن جامعه نمونه اسلامی است.

دولت به عنوان نماد حاکمیت و اقتدار عمومی، بر مبنای ایدئولوژی، آرمان‌ها، اصول و اهداف کلان جامعه خود که در قانون اساسی و سایر اسناد بالادستی متجلی می‌شود، فعالیت می‌کند و چگونگی تأسیس هیأت حاکمه شامل قوای مقننه، مجریه، قضاییه و سایر نهادهای حاکمیتی در قانون اساسی بیان می‌شود. قانون اساسی ایران برای اولین بار در نتیجه انقلاب مشروطه تدوین شد، که از نقاط عطف تاریخ ایران بود. قانون اساسی ج.ا.ایران نیز در امتداد انقلاب اسلامی ایران و با تغییراتی اساسی و اصلاحاتی ساختاری در قوانین پیشین و به ویژه با تأکید بر اسلامیت در کنار جمهوریت تدوین شده است. قانونی که با ایجاد مبانی لازم برای توسعه کشور، تمهیدات بسیاری برای این امر اندیشیده است و در صورت قرائت دقیق و نظارت صحیح می‌تواند راهگشای توسعه کشور ایران در تمام حوزه‌ها از جمله توسعه سیاسی باشد. بر این اساس تلاش برای شناخت صورت‌بندی توسعه سیاسی در قانون اساسی، موضوع و دغدغه اصلی این پژوهش است که با شناخت و استخراج مضامین پایه‌ای توسعه سیاسی موجود در متن قانون اساسی و تبدیل آن به مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر به دست می‌آید.

۱- روش پژوهش

روش ما برای انجام این پژوهش تحلیل مضمون شبکه‌ای است. تحلیل مضمون^۱ روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش الگوهای موجود در داده‌های کیفی است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و تفصیلی تبدیل می‌کند (Boyatzis: 1998: 4).

دربرکاری این روش، ورودی ما متن قانون اساسی شامل مقدمه و اصول آن است و پس

از طی فرایند تحلیل مضامین، ما به شبکه‌هایی از مفاهیم که دارای سطح‌بندی هستند می‌رسیم. سطح‌بندی مضامین به این معناست که برخی از مضامین مهم‌تر که انتزاعی‌تر هم هستند، در جایگاه مرکزی قرار می‌گیرند و سایر مضامین پیرامون این مضامین اصلی سازمان می‌یابند. در تحلیل مضمون، به بافت داده‌ها و نکات ظریف آنها توجه و بر شناخت و توضیح ایده‌های صریح و ضمنی تمرکز می‌شود. در تحلیل مضمون می‌توان از فراوانی نسبی مضامین برای مقایسه آنها و ترسیم شبکه مضامین استفاده کرد (Namey, 2007: 138).

شبکه مضامین روشی مناسب در تحلیل مضمون است. شبکه مضامین، بر اساس روندی مشخص، پایین‌ترین سطح قضایای پدیده را از متن بیرون می‌کشد (مضامین پایه)؛ سپس با دسته‌بندی این مضامین پایه‌ای و تلخیص آنها به اصول انتزاعی‌تر دست پیدا می‌کند (مضامین سازمان‌دهنده)؛ در قدم سوم این مضامین عالی به صورت مضامین حاکم بر کل متن در می‌آیند (مضامین فراگیر)؛ سپس این مضامین به صورت نقشه‌های شبکه تارنما، رسم و مضامین برجسته هر یک از این سه سطح همراه با روابط میان آنها نشان داده می‌شود. شبکه‌های مضامین به صورت گرافیکی و شبیه تارنما نشان داده می‌شوند تا تصور وجود هرگونه سلسله مراتب در میان آنها از بین برود، باعث شناوری مضامین شود و بر وابستگی و ارتباط متقابل میان شبکه تأکید شود. در این نوع تحلیل، سعی بر این است که از مضامین پایه‌ای که آشکار و مصرح هستند به سوی مضامین کلی‌تر حرکت شود تا به مضمون یا مضامین اصلی متن دست پیدا کنیم (Attride-Stirling, 2001: 388,389).

نمودار شماره ۱- ساختار یک شبکه مضمونی



(Attride-Stirling, 2001: 388)

تحلیل شبکه مضمونی را می‌توان به طور کلی به سه بخش اصلی تقسیم نمود: اول تجزیه متن، دوم اکتشاف متن و سوم یکپارچه کردن اکتشاف‌ها.

جدول شماره ۱- مراحل تجزیه و تحلیل شبکه‌های مضمونی

<p>مرحله اول تحلیل: خرد کردن و کوچک کردن متن</p> <p>گام اول: کدگذاری گذاره‌ها</p> <p>۱- تهیه یک چارچوب کدگذاری</p> <p>۲- تجزیه متن به پاره‌گفتارها با استفاده از این چارچوب</p> <p>گام دوم: شناخت مضامین</p> <p>۱- انتزاع مضامین از پاره‌گفتارها</p> <p>۲- تصحیح مضامین</p> <p>گام سوم: ساختن شبکه‌های مضمونی</p> <p>۱- منظم کردن مضامین</p> <p>۲- یافتن مضامین پایه‌ای</p> <p>۳- بازآرایی مضامین پایه‌ای برای یافتن مضامین سازمان‌دهنده</p> <p>۴- استخراج مضمون فراگیر</p> <p>۵- ترسیم شبکه مضمونی</p> <p>۶- بازبینی و تصحیح شبکه مضمونی</p> <p>مرحله دوم تحلیل: اکتشاف متن</p> <p>گام چهارم: توصیف و کشف شبکه‌های مضمونی</p> <p>۱- توصیف شبکه</p> <p>۲- کشف شبکه</p> <p>گام پنجم: خلاصه کردن شبکه‌های مضمونی</p> <p>مرحله سوم تحلیل: یکپارچه کردن اکتشاف‌ها</p> <p>گام ششم: توصیف الگوها</p>
--

(Attride-Stirling, 2001: 391)

۲- مفهوم شناسی

۲-۱- قانون اساسی

قانون اساسی، معادل لاتین «Constitution» است که «ریشه فعلی آن «To Constitute» به معنی بنیان نهادن، ایجاد کردن و تأسیس کردن است» (وینسنت، ۱۳۸۱: ۱۲۳). قانون اساسی، در معنای گسترده، مجموعه‌ای از قواعد نوشته یا نانوشته است که وظایف، اختیارات و

کارویژه‌های نهادهای گوناگون حکومت را برقرار می‌کند، روابط بین آنها را تنظیم می‌سازد و رابطه بین دولت و فرد را تعریف می‌کند (هیوود، ۱۳۹۷: ۴۱۷). گارنر، قانون اساسی را عالی‌ترین قانون حاکم در کشور و مبین قواعد اساسی و بنیادی یک ملت و دولت می‌داند که نحوه استقرار سازمان‌ها و نهادهای حکومت را مشخص می‌کند. همچنین حوزه و قلمرو صلاحیت قوای حاکم در کشور را معین می‌کند و تضمین بخش حقوق و آزادی‌های یک ملت می‌باشد (Garner, 1997: 4). به عبارتی دیگر، قانون اساسی یک سند حقوقی و سیاسی است که در آن «نظام سیاسی کشور بر پایه تنظیم اقتدار زمامداران و حقوق و آزادی‌های مردم به نحو متناسب مقرر می‌شود»، که «برای تضمین این امر، حکومت در دست مردم و نمایندگان منتخب آنان قرار می‌گیرد تا بر اساس قانون اساسی حکمرانی کنند» (هاشمی، ۱۳۹۶: ۲۱-۲۰). در مجموع قانون اساسی یک سند حقوقی و سیاسی مربوط به قدرت، انتقال و اجرای آن است که اصول و موازین حاکم بر روابط سیاسی افراد در ارتباط با دولت و نهادهای سیاسی کشور و شیوه تنظیم آنها و همچنین کیفیت توزیع قدرت میان فرمانروایان و فرمانبران را تعیین می‌کند. قانون اساسی ج.ا.ایران که مبین نهادهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس دین اسلام، آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی است. این قانون، شامل یک مقدمه، ۱۴ فصل و ۱۷۷ اصل است.

۲-۲- توسعه سیاسی

توسعه سیاسی به معنای حرکت نظام‌های سیاسی از حالت بسته و محدود به سمت حالت باز و مشارکت‌پذیر است (خرمشاد ۱۳۸۲: ۹۱). اندیشمندان عرصه سیاست در تبیین ماهیت توسعه سیاسی به عوامل متنوعی اشاره نموده‌اند که لوسین پای این نظرات را در سه گروه تقسیم نموده است. گروهی مشارکت سیاسی فزاینده و توده‌ای را توسعه سیاسی می‌دانند مثل گابریل آلموند، سیدنی وربا و کارل دویچ. گروه دوم قدرت پاسخگویی دولت به مطالبات را ملاک توسعه‌یافتگی می‌دانند مانند هانتیگتون که معتقد است؛ صورت حکومتها اولویت ندارد که دموکراتیک باشد یا خودکامه باشد بلکه ممکن است حکومتی خودکامه باشد ولی دارای احزاب کارآمد باشد و از اقتدار و مشروعیت برخوردار باشد. گروه سوم کسانی هستند که تخصصی شدن و تقسیم وظایف دقیق را ملاک توسعه سیاسی می‌دانند، مانند آیزن استات (قوام، ۱۳۷۱: ۱۵-۱۴).

سنجش میزان توسعه سیاسی در هر جامعه بر اساس شاخص‌های شناخته شده و مورد قبول صورت می‌گیرد. لوسین پای معتقد است توسعه یافتگی سیاسی دارای سه شاخص است «اول تحقق برابری در مشارکت عمومی و اقدام توده‌ای در فعالیت‌های سیاسی یعنی تبدیل شدن مردم به شهروندان فعال در جامعه، دوم ظرفیت و توانایی نظام سیاسی در پاسخ‌گویی مناسب به مطالبات روزافزون مسیر توسعه-یافتگی و سوم تنوع ساختاری و تخصصی شدن نهادها و ساختارها بصورت مجزا از یکدیگر» (قوام، ۱۳۷۱: ۱۰-۹). ساموئل هانتینگتون نیز معتقد است چهار شاخص اصلی توسعه سیاسی عبارتند از: «۱- جایگزین شدن اقتدار سیاسی سنتی، مذهبی، قومی و خاندانی با اقتدار سیاسی دنیوی و ملی واحد (معقول شدن اقتدار سیاسی) ۲- تمایز کارکردهای سیاسی نوین از قدیم و رشد ساختارهای مربوط به کارکردهای جدید، کامل‌تر و پیچیده‌تر و منضبط‌تر شدن سلسله مراتب اداری ۳- مشارکت هرچه بیشتر گروه‌های اجتماعی و ۴- توانایی بالای نظام سیاسی برای رسیدن به اهداف خود» (هانتینگتون ۱۳۷۰: ۵۶-۵۵).

تعریف مختار پژوهش از مفهوم توسعه سیاسی، به معنای ظرفیت بالای نظام سیاسی در دستیابی به اهداف مورد توافق جمعی، ایجاد پویایی در جامعه و تأمین خواسته‌های معقول شهروندان است. بر این اساس میزان توسعه‌یافتگی سیاسی هر جامعه و نظام سیاسی را می‌توان با توجه به وضعیت شاخص‌هایی مانند مشارکت سیاسی آزاد و فزاینده، توان بالای حاکمیت برای پاسخگویی به مطالبات عمومی، وجود احزاب سیاسی کارآمد، اهتمام بر مسئله آموزش و افزایش آگاهی شهروندان نسبت به حقوق و وظایف‌شان و وجود رسانه‌های جمعی فعال، سنجید.

۳- مضامین مرتبط با توسعه سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

۱-۳- خرد کردن متن و استخراج مضامین

در گام اول از تحلیل مضمونی لازم است از متن اصلی، مضمون‌های پایه‌ای استخراج شود. هر کدام از اصول یا بندهای قانون اساسی حاوی مضمونی است که با خواندن آن متن مستقیماً به ذهن متبادر می‌گردد و مضامین پایه‌ای نامیده می‌شوند.

جدول شماره ۲- تبدیل متن قانون اساسی به مضمون پایه‌ای

ردیف	متن قانون	مضمون پایه‌ای
۱	مقدمه قانون اساسی	<ul style="list-style-type: none"> - حکومت اسلامی بر اساس اراده الهی و متعلق به مردم است. - شکل‌گیری هرگونه استبداد و انحصار مردود است. - سرنوشت مردم به خودشان سپرده شده است. - متخصصان دینی نظارت تخصصی بر دولت دارند. - تحول جامعه اسلامی نیازمند مشارکت فعال و گسترده تمام عناصر اجتماع است. - تحول جامعه اسلامی نیازمند مشارکت فعال و گسترده تمام عناصر اجتماع است. - ولی فقیه (رهبر) توسط مردم به عنوان ضامن عدم ایجاد انحراف در حکومت به شیوه غیرمستقیم انتخاب می‌شود. - آزادی اندیشه در چارچوب شرع و قانون ضروری است. - امکان تضارب آراء در رسانه‌های جمعی برقرار است. - مردم در چارچوب شرع و قانون از آزادی برخوردارند. - حفظ کرامت انسان باید رعایت شود. - مردم در انتخاب مسئولان کاردان و مؤمن باید مشارکت فعال داشته باشند. - مردم باید بر دولت نظارت داشته باشند.
۲	اصل دوم	<ul style="list-style-type: none"> - مبنای حاکمیت اسلامی، حاکمیت خداست. - مردم در چارچوب شرع و قانون از آزادی برخوردارند. - حفظ کرامت انسان باید رعایت شود.
۳	اصل سوم	<ul style="list-style-type: none"> - از ظرفیت رسانه‌ها در افزایش سطح آگاهی‌های عمومی باید استفاده شود. - شکل‌گیری هرگونه استبداد و انحصار مردود است. - مردم در چارچوب شرع و قانون از آزادی برخوردارند. - مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش، باید مشارکت داشته باشند.
۴	اصل ششم	<ul style="list-style-type: none"> - انتخاب مردم، قوه مجریه، قوه مقننه و شوراها را تشکیل می‌دهد. - در موارد مهم از طریق همه پرسی، خواست مردم در چارچوب قانون اعمال می‌گردد.
۵	اصل هفتم	<ul style="list-style-type: none"> - شوراهای منتخب مردم از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند.

۶	اصل هشتم	- مردم باید بر دولت نظارت داشته باشند. - مردم باید بر یکدیگر نظارت داشته باشند. - دولت باید بر مردم نظارت داشته باشد.
۷	اصل نوزدهم	- همه مردم ایران از حقوق مساوی برخوردارند.
۸	اصل بیست و دوم	همه مردم از امنیت در چارچوب قانون برخوردارند.
۹	اصل بیست و سوم	همه مردم از آزادی عقیده برخوردارند.
۱۰	اصل بیست و چهارم	- آزادی قلم، بیان و اندیشه در چارچوب شرع و قانون برقرار است.
۱۱	اصل بیست و ششم	- احزاب سیاسی، اقلیت های دینی و تشکل های صنفی در چارچوب شرع و قانون، می توانند آزادانه فعالیت کنند. - مردم برای فعالیت در احزاب سیاسی، اقلیت های دینی و تشکل های صنفی آزادند.
۱۲	اصل بیست و هفتم	- مردم برای تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها در چارچوب شرع و قانون آزادند.
۱۳	اصل سی ام	- همه مردم از امکان آموزش رایگان برخوردارند.
۱۴	اصل پنجاه و ششم	- حاکمیت از آن خداست و خداوند انسان را بر سرنوشت خویش حاکم ساخته است. - شکل گیری هرگونه استبداد و انحصار مردود.
۱۵	اصل پنجاه و هفتم	- در جمهوری اسلامی قوا از هم تفکیک شده اند. - ولی فقیه (رهبر) بر قوای سه گانه نظارت دارد.
۱۶	اصل پنجاه و هشتم	- رأی و نظر مردم در چارچوب شرع مبنای قانونگذاری است. - انتخاب مردم در چارچوب شرع، مجری قانون را مشخص می کند.
۱۷	اصل پنجاه و نهم	- در مسائل مهم، همه پرسى می تواند انجام شود.
۱۸	اصل شصت و دوم	- مردم مستقیماً نمایندگان مجلس شورای اسلامی را انتخاب می کنند.
۱۹	اصل هفتاد و ششم	- تحقیق و تفحص در تمام امور کشور توسط نمایندگان منتخب مردم، می تواند انجام شود.
۲۰	اصل هشتاد و چهارم	- نمایندگان مجلس در برابر مردم مسئول هستند. - نمایندگان مجلس حق دارند در همه مسائل کشور اظهار نظر کنند.
۲۱	اصل هشتاد و هفتم	- مردم به واسطه نمایندگان خود در انتخاب هیأت وزیران نقش دارند (رأی اعتماد).
۲۲	اصل هشتاد و هشتم	- مردم به واسطه نمایندگان خود می توانند از رئیس جمهور و هیأت وزیران سؤال کنند.
۲۳	اصل هشتاد و نهم	- مردم به واسطه نمایندگان خود می توانند هر یک از وزراء را استیضاح و عزل کنند.

۲۴	اصل هشتماد و نهم	- مردم به واسطه نمایندگان خود می‌توانند رئیس جمهور را استیضاح و عزل کنند.
۲۵	اصل نودم	- مردم می‌توانند شکایت خود نسبت به عملکرد قوای سه گانه را از طریق مجلس شورای اسلامی مطرح و پیگیری نمایند.
۲۶	اصل نود و نهم	- شورای نگهبان که متشکل از فقهای منصوب رهبر و حقوقدانان منتخب به واسطه نمایندگان مردم است، بر همه انتخابات‌ها و همه‌پرسی‌ها نظارت دارد.
۲۷	اصل یکصدم	- مردم با انتخاب نمایندگان خود در شوراهای اسلامی شهر و روستا در اداره امورات محلی خود سهیم هستند.
۲۸	اصل یکصد و هفتم	- مردم با رأس غیرمستقیم، از طریق نمایندگان خود در مجلس خبرگان، رهبر (ولی فقیه) را انتخاب می‌کنند.
۲۹	اصل یکصد و چهاردهم	- مردم با رأی مستقیم، رئیس جمهور را انتخاب می‌کنند.
۳۰	اصل یکصد و چهل و دوم	- قوه قضاییه بر اموال و دارایی مسئولان نظارت دارد.
۳۱	اصل یکصد و پنجاه و ششم	- قوه قضاییه مسئول اجرای عدالت در جامعه است. - قوه قضاییه ناظر بر اجرای صحیح و دقیق قانون است. - قوه قضاییه ضامن حقوق و آزادی‌های مشروع عموم مردم است.
۳۲	اصل یکصد و هفتاد و چهارم	- قوه قضاییه ناظر بر اجرای صحیح و دقیق قانون است. - قوه قضاییه از ایجاد فساد اداری جلوگیری می‌کند.
۳۳	اصل یکصد و هفتاد و پنجم	- صدا و سیما وظیفه تأمین آزادی بیان و نشر افکار در چارچوب شرع و قانون را بر عهده دارد. - افکار و سلايق مختلف، در چارچوب شرع و قانون می‌توانند از طریق رسانه ملی، خود را به جامعه عرضه کنند.

- تبدیل مضامین

پس از دست یافتن به مضامین پایه‌ای، لازم است مضامین سازمان دهنده و مضامین فراگیر استخراج شوند. در این مرحله از تحلیل مضمونی با سازماندهی مجدد مضامین پایه‌ای تلاش می‌شود تا به مضامین انتزاعی تری دست یابیم که مسیر ما را به سمت مضمون‌های مرکزی تر و فراگیرتر هموار می‌کند. این مرحله ما را به مضامین فراگیر می‌رساند.

جدول شماره ۳- تبدیل مضامین پایه‌ای به مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر

ردیف	مضامین پایه‌ای	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
۱	حکومت اسلامی بر اساس اراده الهی و متعلق به مردم است.	حاکمیت مطلق الله	حاکمیت مردم ذیل حاکمیت خداوند
۲	مبنای حاکمیت اسلامی، حاکمیت خداست.		
۳	حاکمیت از آن خداست و خداوند انسان را بر سرنوشت خویش حاکم ساخته است.		
۴	شکل‌گیری هرگونه استبداد و انحصار مردود است.		
۵	سرنوشت مردم به خودشان سپرده شده است.		
۶	در موارد مهم از طریق همه پرسی، خواست مردم در چارچوب قانون اعمال می‌گردد.		
۷	شوراهای منتخب مردم از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند.		
۸	مردم باید بر دولت نظارت داشته باشند.	نظارت مردم بر دولت	نظارت عمومی و تخصصی
۹	مردم به واسطه نمایندگان خود می‌توانند از رئیس‌جمهور و هیأت وزیران سؤال کنند.		
۱۰	مردم به واسطه نمایندگان خود می‌توانند هر یک از وزراء را استیضاح و عزل کنند.		
۱۱	مردم به واسطه نمایندگان خود می‌توانند رئیس‌جمهور را استیضاح و عزل کنند.		
۱۲	تحقیق و تفحص در تمام امور کشور توسط نمایندگان منتخب مردم، می‌تواند انجام شود.		
۱۳	مردم می‌توانند شکایت خود نسبت به عملکرد قوای سه‌گانه را از طریق مجلس شورای اسلامی مطرح و پیگیری نمایند.		
۱۴	ولی فقیه (رهبر) بر قوای سه‌گانه نظارت دارد.		
۱۵	متخصصان دینی، نظارت تخصصی بر دولت دارند.		
۱۶	شورای نگهبان که متشکل از فقهای منصوب رهبر و حقوقدانان منتخب به واسطه نمایندگان مردم است، بر همه انتخابات‌ها و همه پرسی‌ها نظارت دارد.		

نظارت دولت بر دولت	۱۷	در جمهوری اسلامی قوا از هم تفکیک شده اند.	
	۱۸	قوه قضاییه بر اموال و دارایی مسئولان نظارت دارد.	
	۱۹	قوه قضاییه ناظر بر اجرای صحیح و دقیق قانون است.	
	۲۰	قوه قضاییه از ایجاد فساد اداری جلوگیری می‌کند.	
	۲۱	دولت باید بر مردم نظارت داشته باشد.	
	۲۲	مردم باید بر یکدیگر نظارت داشته باشند.	
مشارکت سیاسی	انتخابات	۲۳	ولی فقیه (رهبر) به شیوه غیرمستقیم توسط مردم انتخاب می‌شود.
		۲۴	مردم در انتخاب مسئولان کاردان و مؤمن باید مشارکت فعال داشته باشند.
		۲۵	انتخاب مردم، قوه مجریه، قوه مقننه و شوراهای را تشکیل می‌دهد.
		۲۶	مردم با انتخاب نمایندگان خود در شوراهای اسلامی شهر و روستا در اداره امورات محلی خود سهیم هستند.
		۲۷	مردم با رأی غیرمستقیم و از طریق نمایندگان خود در مجلس خبرگان، رهبر (ولی فقیه) را انتخاب می‌کنند.
		۲۸	مردم با رأی مستقیم، رئیس جمهور را انتخاب می‌کنند.
		۲۹	مردم به واسطه نمایندگان خود در انتخاب هیأت وزیران نقش دارند (رأی اعتماد).
		۳۰	رأی و نظر مردم در چارچوب شرع مبنای قانونگذاری است (انتخاب نمایندگان).
		۳۱	انتخاب مردم در چارچوب شرع، مجری قانون را مشخص می‌کند.
		۳۲	مردم مستقیماً نمایندگان مجلس شورای اسلامی را انتخاب می‌کنند.

	همه پرسى	در مسائل مهم، همه پرسى مى تواند انجام شود.	۳۳
فعاليتهاى سياسى		احزاب سياسى، اقليت هاى دينى و تشكىل هاى صنفى در چارچوب شرع و قانون، مى توانند آزادانه فعاليت كنند.	۳۴
		مردم براى فعاليت در احزاب سياسى، اقليت هاى دينى و تشكىل هاى صنفى آزادند.	۳۵
		مردم براى تشكىل اجتماعات و راهپيمايى ها در چارچوب شرع و قانون آزادند.	۳۶
		تحول جامعه اسلامى نيازمند مشاركت فعال و گسترده تمام عناصر اجتماع است.	۳۷
		مردم در تعيين سرنوشت سياسى، اقتصادى، اجتماعى و فرهنگى خویش، بايد مشاركت داشته باشند.	۳۸
	آزادى سياسى - اجتماعى		آزادى اندیشه در چارچوب شرع و قانون ضرورى است.
		آزادى قلم، بيان و اندیشه در چارچوب شرع و قانون برقرار است.	۴۰
		صدا و سيما وظيفه تأمين آزادى بيان و نشر افكار در چارچوب شرع و قانون را بر عهده دارد.	۴۱
		افكار و سلايق مختلف، در چارچوب شرع و قانون مى توانند از طريق رسانه ملي، خود را به جامعه عرضه كنند.	۴۲
		همه مردم از آزادى عقیده برخوردارند.	۴۳
		امكان تضارب آراء در رسانه هاى جمعى برقرار است.	۴۴
		مردم در چارچوب شرع و قانون از آزادى برخوردارند.	۴۵
آزادى احزاب و تشكىل هاى سياسى		احزاب سياسى، اقليت هاى دينى و تشكىل هاى صنفى در چارچوب شرع و قانون، مى توانند آزادانه فعاليت كنند.	۴۶

		مردم برای فعالیت در احزاب سیاسی، اقلیت های دینی و تشکل های صنفی آزادند.	۴۷
	آزادی فعالیت سیاسی	نمایندگان مجلس حق دارند در همه مسائل کشور اظهار نظر کنند.	۴۸
		مردم برای تشکیل اجتماعات و راهپیمایی ها در چارچوب شرع و قانون آزادند.	۴۹
		قوه قضاییه ضامن حقوق و آزادی های مشروع عموم مردم است.	۵۰
		همه مردم از امنیت در چارچوب قانون برخوردارند.	۵۱
بالا بردن سطح آگاهی های مردم	آگاهی بخشی توسط رسانه ها	از ظرفیت رسانه ها در افزایش سطح آگاهی های عمومی باید استفاده شود.	۵۲
	آگاهی بخشی توسط نظام آموزش و پرورش	همه مردم از امکان آموزش رایگان برخوردارند.	۵۳
	آگاهی بخشی توسط احزاب سیاسی	- احزاب سیاسی، اقلیت های دینی و تشکل های صنفی در چارچوب شرع و قانون، می توانند آزادانه فعالیت کنند.	۵۴

۳-۳- شناخت و معرفی شبکه مضامین

با بررسی و تحلیل مضامین مرتبط با توسعه سیاسی در قانون اساسی به پنج مضمون فراگیر می‌رسیم. منظور از مضامین فراگیر توسعه سیاسی در قانون اساسی، موضوعات کلان مربوط به توسعه سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران است که در قانون اساسی بیان شده است. این مضامین فراگیر عبارتند از:

۳-۳-۱- حاکمیت مردم ذیل حاکمیت خداوند

در چارچوب اعتقادات اسلامی و نیز مستند به آیات قرآنی، حاکمیت و ولایت مطلقه بر همه هستی از آن خداوند به شمار می‌آید و هیچ موجودی از حوزه قلمرو قدرت او بیرون نیست که خداوند این حق را به تمامی افراد ملت اعطاء نموده و انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم کرده است. از این رو منشأ چنین حاکمیتی از آن خداوند است و خداوند، مردم را برای تعیین سرنوشت اجتماعی خویش مختار و البته مسئول گذاشته است. قانون اساسی به شکل ظریفی بین حاکمیت الهی و حاکمیت مردم پیوند ایجاد کرده است

و حق مردم در تعیین سرنوشت خود را به رسمیت شناخته است. تردیدی نیست که براساس اصول و مبانی دین اسلام این حق (حق حاکمیت مردم) در طول حق حاکمیت الهی قرار گرفته و در تعارض با آن نخواهد بود که در قانون اساسی نمود یافته است. بنابراین حاکمیت در قانون اساسی ج.ا.ایران روایتی جدید از حاکمیت الهی و مردمی است که مشروعیت آن از جانب خداوند و مقبولیتش با انتخاب مردم محقق خواهد شد.

۲-۳-۲- نظارت عمومی و تخصصی

آنچه در مورد نظارت در قانون اساسی بیان شده است به چهار حوزه تقسیم می‌شود: نظارت مردم بر دولت، نظارت دولت بر دولت، نظارت دولت بر مردم و نظارت مردم بر مردم.

۳-۲-۱- نظارت مردم بر دولت

حق نظارت همگانی به صورت فردی و نهادی بر قدرت، از مؤثرترین شیوه‌های تضمینی حق تعیین سرنوشت افراد جامعه بر سرنوشت خویش است که بدون آن نظام سیاسی دموکراتیک استمرار نخواهد یافت. شهروندان می‌توانند به صورت انفرادی یا از طریق مؤسسه‌های مردم‌نهاد از این حق خود استفاده کنند. اصلی‌ترین پشتوانه‌ای که می‌تواند نظارت همگانی را فعال کند، توجه به مقوله مسئولیت اجتماعی است که در آن تمامی افراد در شبکه‌ای مترامم از وابستگی‌های متقابل، خود را متعهد و مسئول در برابر جامعه دانسته و به عنوان یک کنشگر اجتماعی اقدام به فعالیت می‌کنند. دسترسی به این حق شهروندی، نیازمند پاسخ مثبت از سوی قدرت و فراهم کردن سازوکارهای ضروری برای تسهیل اعمال این حق است.

با توجه به متن قانون اساسی، مردم از دو طریق می‌توانند بر مسئولان نظارت داشته باشند؛ اول، نظارت غیر مستقیم از طریق مشارکت در انتخابات و انتخاب نمایندگان و دیگری نظارت مستقیم از طریق امر به معروف و نهی از منکر. مردم از طریق مشارکت در انتخابات و به واسطه انتخاب نمایندگان خود در مجلس شورای اسلامی در واقع به آنها وکالت می‌دهند که علاوه بر قانون‌گذاری‌ها، از طریق سؤال، استیضاح، رأی عدم اعتماد و تحقیق و تفحص، بر عملکرد مسئولان نظارت کنند تا اداره امور کشور، هزینه‌ها و توزیع منابع عادلانه و دقیق انجام شود. از طرفی امر به معروف و نهی از منکر که در اصل هشتم

قانون اساسی نیز به صراحت بر آن تأکید شده است، یکی از سازوکارهای نظارت مستقیم مردم بر مسئولان است که می‌تواند زمینه ساز رشد فضائل و طرد مفساد باشد. برای اجرایی شدن این نظارت مستقیم، راهکار قانونی نیز در قانون اساسی پیش‌بینی شده است و هر یک از افراد جامعه اگر شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند و مجلس موظف به پیگیری و پاسخگویی است (اصل ۹۰).

بنابراین مردم به دو صورت می‌توانند بر مسئولان نظارت کنند:

الف) نظارت مستقیم به وسیله امر به معروف و نهی از منکر و طرح و پیگیری شکایت از طریق مجلس شورای اسلامی.

ب) نظارت غیر مستقیم با وکالت به نمایندگان مجلس و از طریق سؤال، استیضاح، تحقیق و تفحص.

۳-۲-۲- نظارت دولت بر دولت

ساختار نظام سیاسی ج.ا.ایران به نحوی طراحی شده است که بخش‌هایی از حاکمیت بر سایر بخش‌ها امکان نظارت را دارند. این امکان نظارت برای جلوگیری از ایجاد هرگونه فساد و انحراف از وظایف و مأموریت‌های اصلی بخش‌های مختلف حاکمیت است. این نوع نظارت در بالاترین سطح خود از اختیارات و وظایف ولی فقیه محسوب می‌شود که بر اساس مقدمه و اصل ۵۷ قانون اساسی، قوای سه‌گانه زیرنظر ولی فقیه و البته از هم مستقل هستند. ولی فقیه که بالاتری مقام نظام سیاسی در جمهوری اسلامی ایران است، خود به عنوان بخشی از ساختار نظام سیاسی وظیفه نظارت بر قوا را برعهده دارد و ضامن عدم انحراف قوا از وظایف‌شان می‌باشد. همچنین بر اساس اصل تفکیک قوا، نظارت قوای مختلف بر هم پیش‌بینی شده است.

تفکیک قوا را می‌توان در کتاب سیاست (ارسطو) و نوشته‌های جان لاک در سده ۱۷ میلادی و در کتاب روح تفکیک قوا در حکومت را می‌توان شیوه سازماندهی سیاسی به منظور حفاظت از آزادی به وسیله جلوگیری از تمرکز بیش از حد قدرت تعریف کرد که شرط ضروری تحقق حاکمیت قانون و مردم‌سالاری به شمار می‌آید. ریشه‌های اصلی قوانین، شارل دو مونتسکیو فیلسوف سیاسی قرن ۱۸ میلادی مشاهده کرد که برای نخستین

بار مونتسکیو آن را به صورت نظریه تفکیک قوا مطرح کرد. هدف از طرح این نظریه نیل به اهدافی مانند تعدیل قدرت، ایجاد دولت متعادل و مبارزه با خودکامگی دولت بود و مهمترین استدلال برای این تفکیک از دیدگاه مونتسکیو این بود که تنها با تفکیک سیاسی قوای حکومتی است که می توان از حق آزادی شهروندان دفاع کرد. تفکیک سازمانی و کارکردی قوا، راهکاری برای اعمال نظارت متقابل بین نهادهای سیاسی کشور است که مبنای آن مفهوم حاکمیت قانون است و از ضروریات توسعه سیاسی محسوب می شود.

قانون اساسی ج.ا.ایران در اصول متعدد به صورت مستقیم و غیر مستقیم به مسئله تفکیک قوا پرداخته است و ضمن معرفی این قوا، به استقلال آنها از یکدیگر تأکید می کند (اصل ۵۷). همچنین از میان قوای سه گانه، برای مجلس شورای اسلامی که متشکل از نمایندگان مردم است، شأن و جایگاه بی نظیر نظارتی قائل است که حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد (اصل ۷۶) و می تواند در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید (اصل ۸۴). در همین راستا حتی رئیس جمهور که منتخب مردم است، برای انتخاب هیأت وزیران لازم است از مجلس رأی اعتماد بگیرد (اصل ۸۷) و بعد از رأی اعتماد نیز نمایندگان مجلس می توانند در مواردی که لازم می دانند نسبت به سؤال و استیضاح رئیس جمهور و وزراء اقدام کنند (اصول ۸۸ و ۸۹).

۳-۲-۳- نظارت دولت بر مردم

این نوع نظارت نیز یکی از وظایف حاکمیت و از مصادیق امریه معروف و نهی از منکر محسوب می شود که بر اساس آنچه در اصل هشتم قانون اساسی بیان شده است باید انجام شود. نهادهای نظارتی حاکمیت این وظیفه را نیز بر عهده دارند که مشخص ترین آن در حیطه مأموریتها و وظایف قوه قضاییه است که به عنوان حافظ حقوق عامه معرفی شده و هر نظارتی که لازم باشد را باید در این راستا به انجام برساند.

۳-۲-۴- نظارت مردم بر مردم

نظارت مردم بر مردم نیز یکی از مصادیق امریه معروف و نهی از منکر است که لازمه توسعه سیاسی هر جامعه ای است. کنترل جامعه انسانی تنها با اعمال نظارتی و قهرآمیز دولت، امکان پذیر نخواهد بود و همه افراد جامعه در این خصوص مسئولیت دارند. در واقع گسترده ترین شبکه نظارتی، نظارت مردمی است که می تواند بازدارنده ترین وضعیت را برای

ایجاد انحراف و فساد در جامعه ایجاد کند.

۳-۳-۳- مشارکت سیاسی

بر اساس قانون اساسی، حق حاکمیت از آن مردم دانسته شده است و مردم برای اعمال این حق خود باید مشارکت فعال و مؤثر داشته باشند. در مشارکت سیاسی شهروندان می‌خواهند کارگزاران سیاسی در سطوح مختلف را انتخاب کنند و بر سیاست‌های کلان کشور تأثیرگذار باشند. طبعاً این حضور و تأثیرگذاری همراه با رقابت خواهد بود. رقابت برای تأثیرگذاری بر قدرت و اداره امور عمومی کشور.

در واقع مردم از طریق انتخابات، همه‌پرسی و سایر فعالیتهای سیاسی، حق حاکمیت خود را اعمال می‌نمایند. با توجه به محتوای قانون اساسی ج.ا.ایران مردم با شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، نماینده خود را در رأس قوه مجریه برای اداره امور کشور انتخاب می‌کنند و با شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی، نمایندگان خود را در قوه مقننه انتخاب می‌کنند و این نمایندگان به وکالت از طرف مردم خواسته‌های آنان را در قانون‌گذاری و نظارت بر سایر قوا اعمال می‌نمایند. از طرف دیگر مردم در موارد بسیار مهم و حساس سیاسی-اجتماعی، با مشارکت در همه‌پرسی‌ها به صورت مستقیم نظر خود را اعلام می‌دارند. علاوه بر اینها مردم از طریق انتخابات شوراهای اسلامی شهر و روستا ضمن برپایی اصل شورا، به منتخبان خود وکالت می‌دهند تا ضمن پیگیری و تسریع در هماهنگی برای اداره امور عمرانی، فرهنگی و اجتماعی، با تشکیل شوراهای شهرستان و استان و شورای عالی استان‌ها بر رعایت عدالت در تقسیم درآمدهای عمومی و برنامه‌های اقتصادی نظارت و اعمال نظر کنند.

۳-۳-۴- آزادی سیاسی-اجتماعی

آزادی‌های سیاسی و اجتماعی یکی از ارکان توسعه سیاسی است. بدون وجود آزادی نمی‌توان انتظار داشت تا مشارکت سیاسی شکل بگیرد و نظارت مردمی محقق شود. آزادی، زمینه اصلی شکل‌گیری تمام شاخص‌های توسعه سیاسی است و بدون آن حتی نمی‌توان جریان آگاهی بخشی را برقرار کرد. با توجه به محتوای قانون اساسی، تأمین آزادی‌های سیاسی-اجتماعی از طریق آزادی بیان و عقیده، آزادی احزاب و تشکل‌های سیاسی و آزادی فعالیت سیاسی قابل تحقق است.

۳-۳-۱- آزادی بیان و عقیده

آزادی عقیده و بیان هم در ادبیات دینی اسلامی و هم در اسناد بین المللی به عنوان یکی از حقوق ممتاز انسان همواره مورد تأکید بوده است. لذا در مواد ۱۸ و ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و مواد ۱۹ و ۲۰ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی به رسمیت شناخته شده است. در قانون اساسی ج.ا.ایران نیز، در اصل ۲۴ بر آزادی مطبوعات و نشریات و در اصل ۱۵۷ بر تأمین آزادی بیان و نشر افکار در صدا و سیما، تا آنجا که مخل به اسلام و قانون نباشند، تأکید شده است.

۳-۳-۲- آزادی احزاب و تشکل‌های سیاسی

حزب یا تشکل سیاسی مجموعه‌ای سازمان یافته از افرادی است که با هدف دستیابی به قدرت یا گرفتن سهمی از آن، از طریق انتخابات یا به روش‌های دیگر تلاش می‌کنند و برای رسیدن به این هدف اقدام به عضوگیری کرده و از طریق اعضا و رسانه‌ها به ویژه در هنگام انتخابات اقدام به اطلاع‌رسانی و آگاه کردن مردم می‌نمایند. تشکل‌های صنفی نیز وظیفه مشابهی با تشکل‌های سیاسی اما در موضوعات خاص و محدودتر دارند. قانون اساسی در اصل ۲۶ بر آزادی احزاب، جمعیت‌ها و تشکل‌ها تا آنجا که مخل به اسلام و قانون نباشند تأکید کرده و جلوگیری از تشکیل و همچنین اجبار به شرکت در آنها را منع کرده است.

۳-۳-۳- آزادی فعالیت سیاسی

سایر فعالیت‌های سیاسی نیز در چارچوب شرع و قانون بر اساس قانون اساسی آزاد دانسته شده‌اند. به عنوان نمونه آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها در اصل بیست و هفتم قانون اساسی به شرط آنکه مخل به اسلام و قانون نباشند، بیان شده است. راهپیمایی‌ها و اجتماعات از جمله ابزارهای اعمال نظر مردم در سیاست‌ها و تصمیم‌گیری‌ها و به عبارتی از ابزارهای دموکراسی مستقیم است.

۳-۳-۵- بالابردن سطح آگاهی‌های مردم

آگاهی و شناخت مردم از مسئولیت‌ها و حقوق قانونی خود شامل حاکمیت بر سرنوشت خویش، نظارت بر حاکمیت و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، هموار کننده مسیر توسعه سیاسی است. طبعاً هر چه این آگاهی‌ها عمیق‌تر و وسیع‌تر باشد مردم بهتر می‌توانند از طریق مشارکت و نظارت آگاهانه و اعمال نظر و رأی معقول و منطقی، در استحقاق حقوق قانونی

خود تلاش کنند و حاکمیت خود را تحقق بخشند. بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در قانون اساسی از طریق رسانه‌ها مانند مطبوعات و رسانه‌های گروهی، نظام آموزش و پرورش و احزاب سیاسی مورد تأکید قرار گرفته است.

۳-۵-۱- بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی از طریق رسانه‌ها

از جمله مهمترین ابزارهای مورد نیاز برای گسترش و ارتقای سطح آگاهی‌های مردم در زمینه‌های مختلف اجتماعی، نشریات، مطبوعات و رسانه‌های جمعی هستند. رسانه وسیله یا ابزاری برای رساندن اطلاعات به مردم و تأثیرگذاری بر باورها و نگرش‌ها و آرای مردم است که در اشکال متعدد نوشتاری مانند مطبوعات، شنیداری مانند رادیو، تصویری مانند تلویزیون و اخیراً فضای مجازی مانند پیام‌رسان‌ها، به اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی جامعه می‌پردازد. در قانون اساسی ج.ا.ایران، به صراحت بر بالا بردن آگاهی‌های عمومی از طریق رسانه‌ها (بند ۲ اصل سوم) و آزادی بیان در مطبوعات و رسانه‌ها (اصول ۲۴ و ۱۷۵) تأکید شده است.

۳-۵-۲- بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی از طریق نظام آموزش و پرورش

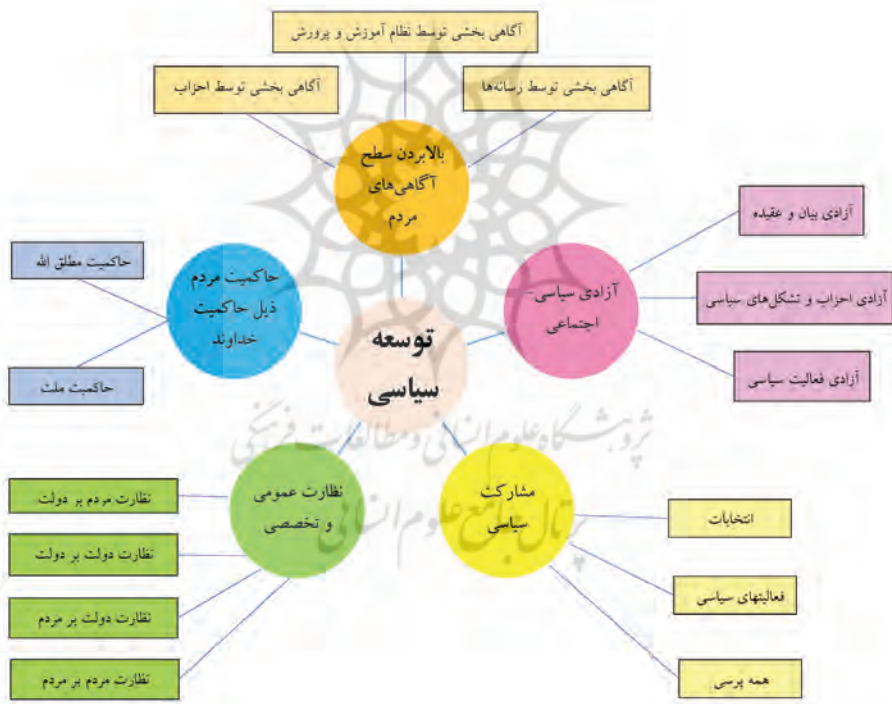
نظام تربیتی و آموزشی در هر جامعه‌ای با نظام سیاسی پیوند تنگاتنگ دارد. متصدی اصلی آموزش در جوامع مختلف، دولت‌ها هستند. از سوی دیگر نهادهای آموزشی نیز نقش قابل توجهی در تغییرات سیاسی و اجتماعی ایفا می‌کنند. بر این اساس مهمترین امکان حاکمیت برای عمل به تأکیدی که قانون اساسی بر مشارکت فعال و گسترده مردم در تعیین سرنوشت خود و سایر فعالیتهای سیاسی و اجتماعی دارد، توجه به افزایش آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی افراد جامعه از طریق نظام آموزش و پرورش است. نظام آموزش و پرورش به دلیل ارتباط نزدیکی که افراد جامعه از سنین کودکی با آن برقرار می‌کنند و در آن آموزش می‌بینند، نقش مهمی در جامعه‌پذیری و نهادینه شدن ملزومات توسعه سیاسی در افراد جامعه بر عهده دارد که امکان ایفای آن در حد مطلوب بسته به برنامه و خواست دولت‌هاست.

۳-۵-۳- بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی از طریق احزاب و گروههای سیاسی

احزاب و گروههای سیاسی محل حضور نخبگان سیاسی است که با هدف تأثیرگذاری بر جریان قدرت و بر اساس دیدگاههای مشترک گردهم آمده‌اند و طبعاً دغدغه و هنر

آموزش سیاسی و اجتماعی را دارند. بخشی از وظایف احزاب سیاسی، آموزش سیاسی شهروندان است. همچنین ایجاد انگیزه مشارکت سیاسی و کادرسازی نیز از کارکردهای احزاب سیاسی است. احزاب و گروه‌های سیاسی محلی برای آموزش تئوریک در کنار تجربه‌های عملی سیاسی است. افرادی که در احزاب و گروه‌های سیاسی تجربه فعال و طولانی دارند، می‌توانند برای نسل جوان تازه‌وارد، منبع تجربیات آموزنده سیاسی و اجتماعی باشند.

طبعاً آموزش در احزاب با آموزش در نظام آموزشی جامعه متفاوت می‌باشد و گذراندن آن در گروهی مواردی مثل مدرک و گواهینامه نیست اما تأثیرگذاری آن به سبب تلفیق با تجربه عملی، بسیار ارزشمند است.



نمودار شماره ۲- شبکه مضمونی توسعه سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

با بررسی مضامین مرتبط با توسعه سیاسی در قانون اساسی، درمی‌یابیم که محور تشکیل نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، مردم هستند که مشارکت سیاسی و اجتماعی آنها به ارکان نظام سیاسی موجودیت می‌بخشد. همچنین نظارت بر قدرت سیاسی در انحصار مختلف آن ضامن اجرای صحیح قوانین و جلوگیری از ایجاد فساد در کشور است که هر دو از مقدمات توسعه سیاسی هر کشوری محسوب می‌شود. برای تحقق مشارکت و نظارت، باید آزادی‌های سیاسی - اجتماعی شهروندان در چارچوب شرع مقدس اسلام تأمین شود و عدالت اجتماعی در جامعه برقرار باشد تا همه از فرصت‌های برابر و امنیت کافی برای تأثیرگذاری مثبت در فضای اجتماعی و سیاسی کشور برخوردار باشند. برای این منظور لازم بوده است در تشکیل و طراحی ساختارهای رسمی جمهوری اسلامی ایران، مسائل اساسی از جمله تفکیک قوا، استقلال قوا، نظارت همگانی، نظارت تخصصی و مشورت پذیری (شورا) رعایت و عملی گردد. نکته مهم ارتباطی است که بین این مفاهیم برقرار است و همه آنها در ارتباط با هم، توسعه سیاسی جامعه را رقم می‌زنند. به عبارتی تمام این مفاهیم، در ارتباط با هم، مقدمات توسعه سیاسی جامعه ایران را رقم می‌زند و تحلیل آنها در یک مجموعه به هم پیوسته، می‌تواند راهگشای ما برای دستیابی به توسعه سیاسی جمهوری اسلامی ایران باشد. توسعه‌ای که می‌خواهد زمینه لازم را برای رشد، تعالی و شکوفایی استعدادهای انسان، را فراهم آورد و جامعه نمونه اسلامی را تحقق بخشد.

همچنین آزادی سیاسی و اجتماعی مردم در حد مطلوب جامعه اسلامی باید تأمین شود تا زیربنای رشد و ارتقای فکری و فرهنگی جامعه مهیا باشد. آزادی در ابعاد گوناگون آن در چارچوب موازین اسلامی مورد توجه و تأکید قانون اساسی قرار گرفته است. از آزادی بیان، قلم و اندیشه تا آزادی رسانه‌ها و آزادی‌های سیاسی مانند حق مشارکت سیاسی مردم، تشکیل گروه‌ها و احزاب سیاسی، آزادی برگزاری اجتماعات و نهایتاً آزادی عموم مردم در نظارت بر کارگزاران و ساختار سیاسی.

لازمه همه این موارد آگاه بودن مردم نسبت به حقوق و وظایف‌شان است و بر مبنای همین آگاهی است که نظارت، مشارکت و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی امکان تحقق می‌یابد. چرا که اگر این آگاهی در میان عموم مردم جامعه وجود نداشته باشد کمتر می‌توان

انتظار مطالبه‌گری و نظارت را از مردم داشت و حتی اگر مطالبه ناآگاهانه‌ای هم شکل بگیرد، به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. بر این مبنا آگاهی بخشی به عموم مردم توسط نظام سیاسی در زمینه حقوق و وظایف شان، وظیفه مهمی برای نظام سیاسی است. بنابراین با تحلیل مضمون توسعه سیاسی در قانون اساسی ج.ا.ایران به پنج گزاره اصلی و فراگیر رسیدیم:

اول) حاکمیت مردم ذیل حاکمیت خداوند مبنای حکومت اسلامی مورد نظر در قانون اساسی است.

دوم) یکی از ارکان شکل‌گیری چنین حکومتی، اجرایی شدن انواع نظارت‌هاست. که مهمترین آن نظارت بر دولت است. عملی شدن این نوع از نظارت هم توسط مردم و هم توسط بخش نظارتی حاکمیت، در قانون اساسی پیش‌بینی شده است. فعال شدن احزاب سیاسی و تشکل‌های مردم‌نهاد مانند دیده‌بان شفافیت و عدالت، یکی از راههای افزایش نظارت همگانی بر بخشهای مختلف حاکمیت است.

سوم) مشارکت سیاسی گسترده و مؤثر مردم، در تصمیمات مهم و انتخاب‌های گوناگون حق عمومی غیرقابل انکار است که همه باید به بهترین وجه از آن استفاده کنند تا حق حاکمیت همه افراد ملت ظهور و بروز پیدا کند.

چهارم) آزادی‌های سیاسی و اجتماعی اگر در چارچوب شرع و قانون باشد شرایط جامعه را برای برخورداری از ظرفیت نظارت عمومی بر دولت و مشارکت سیاسی گسترده و تأثیرگذار مردم، فراهم می‌کند.

پنجم) بالا بردن سطح آگاهی‌های سیاسی و اجتماعی مردم از راههایی مثل رسانه‌ها، احزاب و تشکل‌های سیاسی و نظام آموزش و پرورش، شرایطی را به ارمغان می‌آورد که می‌توانیم انتظار نظارت دقیق‌تر و مؤثرتر از جانب صاحبان این حق (مردم) را داشته باشیم. همچنین مشارکت سیاسی صحیح و تعیین‌کننده نیز به میزان آگاهی مردم از موضوعات سیاسی و اجتماعی دارد و در نهایت استفاده یا سوءاستفاده افراد جامعه از آزادی‌های قانونی‌شان نیز بسیار به میزان آگاهی آنها بستگی دارد.

سازوکارهایی که برای دستیابی به گزاره‌های فوق به نظر می‌رسد عبارتند از:

۱- شرکت آگاهانه مردم در انتخاباتها و همه‌پرسی‌ها، ۲- فعال شدن احزاب و گروه‌های

سیاسی، ۳- حمایت نظام سیاسی از شکل‌گیری جامعه مدنی (تشکل‌های مردم‌نهاد)،
 ۴- تقویت بعد نظارتی مجلس شورای اسلامی، ۵- مطالبه عمومی از قوه قضاییه و سایر
 نهادهای نظارتی.

برای اجرای شدن این موارد لازم است از ظرفیت رسانه ملی به بهترین نحو استفاده
 شود، از انتشار مطبوعات و نشریات حمایت جدی صورت بگیرد و قوانینی مانند «قانون
 نحوه فعالیت احزاب و گروههای سیاسی» به صورت کامل اجرایی شود. همچنین از ظرفیت
 فضای آموزشی کشور نیز باید استفاده کامل‌تری صورت بگیرد و آموزش سیاسی و اجتماعی
 در متون آموزشی مقدماتی (آموزش و پرورش) اضافه شود.

منابع فارسی

- ۱- اسمیت، فیلیپ جی (۱۳۷۷) فلسفه آموزش و پرورش، ترجمه سعید بهشتی، مشهد: به‌نشر (آستان قدس رضوی).
- ۲- خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۲) ضرورت راهبردی توسعه سیاسی در ج.ا.ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی، دوره ۶، شماره ۲۱، صص ۸۷-۱۰۲.
- ۳- قانون اساسی ج.ا.ایران.
- ۴- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۱) توسعه سیاسی و تحول اداری. تهران: نشر قومس.
- ۵- وینسنت، آندرو (۱۳۸۱) نظریه‌های دولت، ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی.
- ۶- هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی ج.ا.ایران (۱۳۹۶)، جلد اول، چاپ چهاردهم، تهران: نشر میزان.
- ۷- هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰) سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر علم.
- ۸- هیوود، اندرو (۱۳۹۷) سیاست، ترجمه عبدالرحمن عالم، چاپ هشتم، تهران: نشر نی.

منابع لاتین

- 1- Attride-Stirling, Jennifer (2001) Thematic Networks: An Analytic Tool for Qualitative Research Article in Qualitative Research 1(3):385-405 · December 2001.
- 2- Boyatzis, Richard E. (1998) Transforming Qualitative Information: Thematic Analysis and Code Development, USA: Case Western Reserve University.
- 3- Garner, Bryan A. (1997) Black's Law Dictionary, USA: Thomson press.
- 4- Namey, E., Guest, G., Thairu, L. & Johnson, L. (2007), "Data Reduction Techniques

for Large Qualitative Data Sets”, In Guest G. & MacQueen K. M. (Eds.), Handbook For Team-Based Qualitative Research (Pp. 137-162), United Kingdom: AltaMira Press.

یادداشت

1. Thematic Analysis.

